



شناسایی مولفه های توسعه فرهنگی

یک مطالعه کیفی پیرامون مراکز فرهنگی با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی**

کامران بهزادی^۱ ID، سعید امام قلی زاده^{۲*} ID، حمیدرضا رضوی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. behzadikamran.99@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، گروه مدیریت دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل، ایران. gholizadehsaeid@gmail.com

^۳ دکتری تخصصی، گروه مدیریت دانشگاه غیرانتفاعی شمال، آمل، ایران. razavi@gmail.com

چکیده

امروزه مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی یکی از کلیدی ترین ابعاد نظام اجتماعی است؛ به همین دلیل نقش مراکز فرهنگی قابل تأمل است. بررسی شاخص های مؤثر در کارکرد این مراکز مسئله ای قابل تأمل است. این مطالعه یک پژوهش کیفی از نوع گراندد تئوری است و جامعه پژوهش را ۱۰ نفر از خبرگان صاحب نظر در زمینه توسعه فرهنگی تشکیل می دهد. در گام بعدی با روش سلسله مراتبی (AHP) وزن دهی و رتبه بندی شاخص ها صورت پذیرفت. پرسشنامه تنظیم و توزیع و جمع آوری شده است. بخش کمی این پژوهش براساس مدل کرجسی و مورگان در جامعه کارشناسان فرهنگی متشکل از ۲۹۸ نفر از مدیران مراکز اجرا گردید. تحلیل یافته های حاصل از مصاحبه نشان داد که مؤلفه های اساسی مراکز فرهنگی شامل دینی و مذهبی، اشتغال، ملی و بومی، پوشش، سلامت، پژوهش، سبک زندگی، تکنولوژی و ارتباطات است. نتایج پژوهش به روش سلسله مراتبی (AHP) نشان می دهد که شاخص دینی و مذهبی اولویت اول و شاخص های ملی و بومی، پوشش، سبک زندگی، سلامت، پژوهش، تکنولوژی، ارتباطات و نرخ ناسازگاری اولویت دوم تا هشتم بوده است. ضمناً میانگین هر یک از شاخص ها نشان می دهد که شاخص های پوشش، دینی و مذهبی، پژوهش، سلامت، اشتغال، تکنولوژی، سبک زندگی و شاخص ملی و بومی به ترتیب بالاترین میانگین ها را داشته اند که این نتایج حاکی از وجود شکاف بین مدیران و تصمیم گیران مراکز آموزشی و مجریان است.

اهداف پژوهش

۱. مطالعه مؤلفه های توسعه فرهنگی.
۲. بررسی شکاف بین مدیران و تصمیم گیران مراکز آموزشی و مجریان.

سؤالات پژوهش

۱. چه ارتباطی بین مؤلفه های توسعه فرهنگی وجود دارد؟
۲. چه عواملی در شکاف بین مدیران و تصمیم گیران مراکز آموزشی و مجریان وجود دارد؟

** این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول تحت عنوان ارائه الگوی توسعه برای مراکز فرهنگی مورد مطالعه مراکز آموزشی استان است.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۴

دوره ۱۸

صفحه ۹۱ الی ۱۰۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

توسعه فرهنگی، روش سلسله مراتبی، شاخص های اولویت بندی، تحلیل داده بنیاد.

ارجاع به این مقاله

بهزادی، کامران، امام قلی زاده، سعید، رضوی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). شناسایی مولفه های توسعه فرهنگی یک مطالعه کیفی پیرامون مراکز فرهنگی با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۹۱-۱۰۱.

 [dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.44.20.5](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.265509.1492)

 dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.265509.1492

مقدمه

موضوع توسعه فرهنگی و پرداختن به موانع آن در ایران، به سه پارادایم ایرانی-اسلامی و غربی، به گونه‌ای عمل کرده که علاوه بر حفظ ذخایر فرهنگ غنی ایران و اسلام، از غافله مدرنیته عقب نماند و به گونه‌ای عمل نکند که به‌عنوان افرادی انجماد فکر، سنت پرست و بیگانه با رشد تمدن معاصر در نظر گرفته شود. همچنین باید با تکیه بر داشته‌های فرهنگی و ساختارهای موجود، توسعه فرهنگی شکل گیرد. رهیافت درون‌زا به توسعه، مستلزم این است که زمینه فرهنگی-اجتماعی که توسعه در آن رخ می‌دهد و نیز شرایطی که به آن فرهنگ اختصاصی مربوط می‌شود، لحاظ و این رهیافت است که یکپارچگی توسعه و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را تضمین می‌کند. هدف این تحقیق، شناسایی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی بود. بر این قرار ابتدا به مسئله توسعه و چرایی آن و سپس به نقش و اهمیت آن در دهه‌های اخیر به‌طور خلاصه می‌پردازیم. سپس نگاهی به فرهنگ انداخته و تعریف خود را از فرهنگ توسعه ارائه می‌دهیم. آنگاه مفاهیم توسعه فرهنگی، اقتصادی، انسانی و سیاسی و اجتماعی مورد واکاوی و کنکاش قرار می‌گیرند. در نهایت با توجه به مسئله تحقیق، فرضیه و سؤال‌های تحقیق مطرح و مدل مفهومی ارائه می‌شود. اصولاً توسعه تغییر بنیادی یکی از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود که یکی از ارکان آن جامعیت یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی درون مناطق است. بدین لحاظ توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه‌های مهم اقتصاد سالم و پویاست که برنامه‌ریزان برای تحقق این امر، بر کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها از طریق اجرای برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی و تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت تأکید دارند. توسعه مفهومی بسیار گسترده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، انسانی و پایدار است. بین انواع توسعه، رابطه متقابل و هماهنگی وجود دارد. برای رسیدن به توسعه باید تمامی این انواع، به تناسب و هماهنگی برسند. ضرورت مطالعه و بررسی این حوزه‌ها برای شناخت آنها و کوشش در جهت رفع موانع، پیشرفت و ترقی جامعه و رفاه همگانی بر کسی پوشیده نیست و این خود ارتباط تنگاتنگ توسعه با حیاتی‌ترین عرصه‌های زندگی مردم هر جامعه را نشان می‌دهد. به‌طور کلی، رویکرد علمی و عقلانی این است که تمامی ابعاد توسعه، یعنی توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه حقوقی، توسعه سیاسی، توسعه علمی، توسعه اقتصادی، توسعه انسانی و توسعه اکولوژیک در یک رابطه متقابل در نظر گرفته شود. با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده در ادبیات تحقیق و همچنین بررسی‌های به‌عمل‌آمده در مراکز فرهنگی از جمله آموزش پرورش، تاکنون مدلی که به بحث توسعه مراکز فرهنگی پرداخته باشد، مشاهده نشده است.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری به بررسی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در مراکز مختلف پرداخته‌اند. صالحی امیری و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه فرهنگی در کتابخانه ملی ایران» انجام شده است که نویسندگان مؤلفه‌هایی چون «شناسایی و معرفی مفاخر فرهنگی مشترک با دیگر کشورها»، «تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد» و «گفت‌وگوی بین تمدن‌ها» را از عوامل فرهنگی مؤثر در توسعه فرهنگی در کتابخانه ملی می‌دانند. در این پژوهش اشاره‌ای به مقوله توسعه فرهنگی در مراکز آموزشی نشده است. رشیدی (۱۳۹۵) در مطالعه جامعه‌شناختی تأثیرات توسعه اقتصادی-اجتماعی بر هویت قومی در شهرستان مهاباد، در پی پاسخ به سؤالاتی در ارتباط با «چگونگی تأثیرات توسعه بر هویت جمعی» است و با توجه به ماهیت روش‌شناختی مورد استفاده به تبیین علل و عوامل، زمینه‌ها و شرایط، راهبردها و پیامدهای این تأثیر می‌پردازد و از روش نظریه بنیانی با مصاحبه‌های عمیق و مشارکت‌های میدانی در بین ساکنین شهرستان مهاباد استفاده کرده است. توسعه در لوای نوسازی و پروژه‌های اقتصادی و تکنولوژیک به صورت سطحی

همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی را تغییر داده و موجد بحران‌هایی بر اجزای هویت قومی-کُردی شده است. شاهسواری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان بررسی اهمیت توسعه فرهنگی و تأثیر آن بر خودباوری جامعه بیان می‌دارد که آنچه در مفهوم فرهنگ اهمیت دارد، باورهای ذهنی و ارزشی است که می‌توان در روابط اجتماعی انسان‌ها به صورت رفتار و کنش مشاهده کرد. توسعه فرهنگی منجر به خودباوری جامعه شده است. این مسئله خود در شکل-گیری و هویت فرهنگی جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند. توسعه فرهنگی در قالب اهمیت دادن به ارزش‌های محلی و ملی، باید بتواند از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه خود پاسخ دهد. سیاست فرهنگی از جمله مفاهیم مرتبط با توسعه فرهنگی است که در چند دهه اخیر به آن توجه شده است. هدف این پدیده، پیشرفت و پویایی نوین و نظام‌مند جامعه است. اسماعیل کاوسی (۱۳۹۴) به طراحی الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن پرداخت. هدف اصلی در این مقاله شناسایی و ارائه الگوی توسعه روابط بین فرهنگی در عصر جهانی شدن در کشور است. نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن نیز نشان داد که فرهنگ در مقایسه با سه مؤلفه قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی در رتبه سوم اولویت قرار دارد؛ اما در بخش میدانی، اعضای جامعه آماری به رغم مهم انگاشتن نقش فرهنگ در سیاست خارجی، تأثیر فرهنگ را در این زمینه کمتر از قدرت سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند.

کلر، روابط بین فرهنگ و توسعه^۱ (۲۰۱۷) روابط بین فرهنگ و توسعه، متفاوت و سیستماتیک است. اصول مختلف رشد و توسعه، نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی سیستماتیک در توسعه یک مفهوم از خود، پویایی توسعه است. به رسمیت شناختن مسیرهای مختلف توسعه برای علوم پایه ضروری و یک الزام اخلاقی برای زمینه‌های کاربردی است. آلبرت (۲۰۱۴) نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی در طول زندگی: رویکرد روابط بین فردی این مقاله برخی از مزایا و معایب مربوط به روانشناسی فرهنگی توسعه‌دهنده زندگی را برجسته کرده است. روش مقایسه پدیده‌های روانشناختی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، امکان آزمون جهانی‌ها و توجه به جنبه‌های فرهنگی این فرایندها را در نظر می‌گیرد؛ در نتیجه فرصتی برای غلبه بر تعصب قوم‌گرایی به همراه شانس برای جدا شدن متغیرهای دخیل دیگر ارائه شده است. هدف از تجزیه و تحلیل ما این است که چگونه مفاهیم فرهنگی به تفکر و برنامه‌ریزی توسعه می‌رسند. در نظر گرفتن فرهنگ‌ها چندانکه و توسعه به عنوان مجموعه‌ای از شیوه‌ها و معانی فرهنگی تعبیه شده، رویکرد ما مسائل مربوط به اینکه چگونه پارادایم‌های توسعه مفاهیم صریح فرهنگی را تصویب کرده یا در آنها هنجارهای فرهنگی ضمنی را وارد کرده‌اند، مطرح می‌شود. در این تحقیق با توجه به الگوهای ارائه شده و متغیرهای توسعه‌ای حاکم در مراکز فرهنگی همچنین براساس روش گراند تئوری الگوی لازم پیاده‌سازی می‌شود. این پژوهش از نوع تحقیقات ترکیبی (کیفی و کمی) بوده و جامعه آماری این پژوهش، بنا به ماهیت روش پژوهش تشکیل شده از دو گروه افراد است:

جامعه آماری بخش کیفی از خبرگان این پژوهش عبارت است از آن دسته از مراکز فرهنگی که نسبت به موضوع پژوهش مطلع بوده و می‌توانند اطلاعات بالارزش را در اختیار پژوهش‌گر قرار دهند؛ بنابراین جامعه آماری در پژوهش حاضر خبرگانی در زمینه الگوهای توسعه فرهنگی دارای دانش حرفه‌ای و تجربه در حوزه فرهنگ هستند که تعداد آنها برابر با ۱۰ نفر است. جامعه آماری بخش کمی، نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای ساده انجام شده است. در این پژوهش از کارشناسان، دبیران و مدیران مراکز فرهنگی به تعداد ۱۴۵۰ نفر که براساس جدول کرجسی مورگان ۳۰۲

^۱ Heidi Keller

^۲ Isabelle Albert

نفر بوده است. ۳۲۰ پرسشنامه توزیع شده است که تعداد ۲۹۸ پرسشنامه عودت داده شد که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش پس از مصاحبه و براساس اصول تحقیق داده بنیاد ابتدا شاخص‌های اصلی مشخص و سپس این شاخص‌ها از طریق پرسشنامه‌ای که در پیوست است، توسط مدیران و معاونین شاغل در امور فرهنگی در مراکز آموزشی و سپس توسط دبیران پرورشی بررسی شد. فرضیاتی که این پژوهش دنبال می‌کند، عبارت‌اند از:

۱. بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۲. بعد اشتغال اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۳. بعد ملی و بومی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۴. بعد پوشش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۵. بعد سلامت اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۶. بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۷. بعد سبک زندگی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد؛
۸. بعد تکنولوژی و ارتباطات اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد.

۱. مفهوم توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی عبارت است از نگرشی کل‌نگر به همه پدیده‌های دخیل و مؤثر در نظام فرهنگی به نحوی که محصول اجرا و پیاده‌سازی نگاه انسجامی و سازوکاری در عرصه مدیریت نهادها و مؤسسات فرهنگی است (صالحی امیری و کاووس، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۲). توسعه فرهنگی عبارت است از توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های فرهنگی برای تمام شهروندان. در مفهوم توسعه می‌توان مفاهیمی همچون ترقی و تکامل را دید (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳). توسعه فرهنگی به شناخت عناصر متشکله فرهنگ همچون هنر، ادبیات، آداب و رسوم و باورها و اعتقادات می‌پردازد و باید به شناخت سازوکارهای تبادل فرهنگی، فرهنگ‌های بومی منطقه‌ای بررسی تحولات جهانی فرهنگ‌ها و شناخت ابزارهای جدید ارتباطی و فرهنگی هم توجه داشته باشد یا این ویژگی‌ها در جهان پرقابلیت امروز با تکیه بر توانمندی‌های شناخت و درک موقعیت، همراه با تدوین و تهیه یک الگوی منسجم و مؤثر بر پایه تفکر استراتژیک امکان تحرک پویایی متناسب با نیازها و ضرورت‌های فکری و فرهنگی به دست می‌آید (زمان‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۹) اما در بُعد پویا بودن فرهنگ توسعه معطوف به ایجاد تغییر و تحول در عناصر فرهنگ به منظور انطباق آن با شرایط زمانی و مکانی و در نتیجه به نیازهای زمانه است (عظیمی، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

صاحب‌نظران توسعه فرهنگی توسعه را متأثر از عواملی همچون منابع طبیعی، سرمایه و نیروی انسانی دانسته و نهادهایی را به‌عنوان موتور محرک توسعه فرهنگی معرفی کرده‌اند. در این میان عامل انسانی اصلی‌ترین نقش را در نیل به اهداف توسعه فرهنگی به عهده دارد به طوری که امروز همه می‌پذیرند که موفقیت اقتصادی ژاپن هیچ ارتباطی به مواد خام نداشته و در عوض کاملاً مبتنی بر شیوه‌ی تعلیم و تربیت و نحوه اراده مردم بوده است (چارلز، ۱۳۷۵: ۲۰). بنابراین آموزش را باید شرط اصلی توسعه دانست؛ زیرا نهاد آموزش نهادی نگرش‌ساز است و آموزش عنصر اصلی توسعه نیروی انسانی است (سرکارارانی، ۱۳۸۴: ۱۶). یکی از مسئولیت‌های اساسی مدیریت فرهنگی در سطح ملی، پیشبرد توسعه فرهنگی است. مدیریت‌های فرهنگی در مسیر دستیابی به اهداف توسعه فرهنگی ناگزیر به استفاده از روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهایی هستند که سیاست‌گذاری فرهنگی، در اولویت نخست و از مهم‌ترین آنهاست.

۲. مدل‌های توسعه فرهنگی در ایران

روش سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران را باید ترکیبی ناهمگون از برخی روش‌های تصدی‌گری تام، حمایتی حداکثری و حمایتی حداقلی دانست که آمیزه‌ای از تمرکز و عدم تمرکز در همه مراکز مؤثر در سیاست‌گذاری فرهنگی مشهود است که در کلیات، همگی پیرو سیاست فرهنگی اسلامی و ملی‌اند ولی هر یک با تعبیر و تفسیری خاص و تابع شرایط و اقتضات ویژه به برنامه‌ریزی و اجرا می‌پردازند. مهم‌ترین سند بالادستی در زمینه توسعه فرهنگی سند سیاست فرهنگی ایران است که سه سال پیش از برگزاری نخستین کنفرانس جهانی یونسکو درباره سیاست‌های فرهنگی یعنی در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسید (اجلالی، ۱۳۷۹: ۷۸) اما همانند «سند اصول سیاست فرهنگی کشور» مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی همواره با انتقاد تمرکزگرایی مواجه بوده است و البته روال سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بعدی نیز بر این انتقاد تا حد بسیاری صحنه گذاشته است. یکی از صاحب‌نظران سیاست‌گذاری فرهنگی، این سند را «منشور دولت متصدی و دیدگاه تدوین‌کنندگان را نگاهی از بالا به پایین و نگاه دولتی به تمامی عرصه‌های فرهنگی کشور می‌داند» (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵) دیگری آن را «سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه» نام می‌نهد (کاشی، ۱۳۸۲: ۵۱-۶۷) مدل‌های فرهنگی موجود در یک دسته‌بندی به دیوان‌سالار، ارگانیک، مشارکتی و قبیل‌ای تقسیم می‌شود (اعرابی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

۳. سطح تحلیل داده بنیاد

در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها از روش مقایسه مستمر داده‌های همزمان با گردآوری آنها استفاده شد. روش کار به این شکل است که پس از انجام هر مصاحبه، پیاده‌سازی انجام می‌شد و پس از مرور خط به خط و چندباره متن مصاحبه، مفاهیم اصلی آن استخراج شده و به صورت کدهایی ثبت می‌گردید (کدگذاری باز). سپس بر اساس کدهای به‌دست‌آمده، در صورت نیاز مسیر مصاحبه‌ها برای رسیدن به اهداف پژوهش اصلاح می‌شد. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که داده‌های به‌دست‌آمده به مرحله اشباع (تکرارپذیری) رسیده و دیگر مفاهیم جدیدی از درون مصاحبه‌ها استخراج نشد. پس از پایان مرحله کدگذاری باز، کلیه کدهای به‌دست‌آمده در کنار یکدیگر قرار گرفته و با مقایسه یک به یک آنها با یکدیگر، کدهایی که از لحاظ معنا و مفهوم به هم نزدیک بودند، در یک گروه قرار گرفته و بدین ترتیب کدگذاری محوری انجام شد. در مرحله پایانی (کدگذاری انتخابی) ارتباط بین گروه‌های تفکیک‌شده در مرحله قبل تعیین گردید.

نظریه زمینه‌ای، روش پیچیده‌ای دارد؛ زیرا در آن، محقق در همه مراحل تحقیق در رفت و برگشت است. او باید از چارچوب نظری به‌سوی پرسش‌ها، از پرسش‌ها به گردآوری و سپس به تحلیل برسد. در بعضی از زمینه‌ها، محقق دوباره به گردآوری داده‌ها می‌پردازد. در نامگذاری مفاهیم، به ناچار مجبور به مرور چارچوب می‌شود؛ زیرا انتخاب نام مناسب برای پدیده‌ها و مفاهیم، به‌ویژه پدیده مرکزی پژوهش، نیازمند توجه دقیق به چارچوب نظری است. این تحلیل داده‌هاست که نشان می‌دهد ما در مراحل بعد چه پرسش‌هایی باید داشته باشیم و به چه داده‌هایی نیاز خواهیم داشت. گراند تئوری، سه جزء مهم دارد: اولین جزء، مفاهیم‌اند. مفاهیم از داده‌های خام مرحله کدگذاری باز به‌دست می‌آیند. جزء دوم، مقوله‌ها است. مفاهیم یکدیگر مقایسه می‌کنیم تا شباهت‌ها و اختلاف‌های آنها مشخص شوند. نتیجه این فرایند، مقوله‌ها هستند که در سطحی انتزاعی‌تر به وجود آمده‌اند؛ بنابراین، مقوله‌ها حاصل گروه‌بندی و دسته‌بندی

مفاهیم مانند، جزء سوم، قضایا هستند. در حوزه قضایا، روابط نقش مهمی دارند؛ یعنی رابطه مقوله‌ها با هم و با مفاهیم سازنده آنها مشخص می‌شود. دو رویه تحلیلی در نظریه زمینه‌ای عبارت‌اند از پرسش کردن و مقایسه کردن که هم در گروه‌بندی مفاهیم و هم در ساختن مقوله‌ها به کار می‌روند.

۴. سطح تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر از نرم‌افزار Expert Choice 11 استفاده شده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها را وارد سیستم کرده و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت. نتایج در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱

رتبه	ضریب	عنوان
۱	۰/۲۳۲	دینی و مذهبی
۲	۰/۱۹۱	ملی و بومی
۳	۰/۱۸۸	پوشش
۴	۰/۰۷۵	سبک زندگی
۵	۰/۰۷۴	سلامت
۶	۰/۰۶۱	پژوهش
۷	۰/۰۴۴	تکنولوژی و ارتباطات
۸	۰/۰۷	نرخ ناسازگاری

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نرخ ناسازگاری مدل برابر با ۰/۰۷ است و با توجه به اینکه کمتر از ۰/۰۸ است، نشانگر تأیید مدل است. پس از مقایسه زوجی متغیرهای پژوهش، دینی و مذهبی با ضریب ۰/۲۳۲ به عنوان با اهمیت‌ترین متغیر شناسایی شد.

۵. سطح تحلیل کمی

تجزیه و تحلیل داده‌های کمی: به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی در این تحقیق از روش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۱۷ بهره گرفته شده است. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از جداول توزیع فراوانی و درصدها برای توصیف ویژگی‌های دموگرافیکی و از جداول شاخص‌های آماری همراه با میزان t تک گروهی (جهت بررسی وضعیت موجود امکان سنجی به کارگیری مربی‌گری در مدارس آموزش و پرورش استفاده شده است. همچنین در بخش تحلیل داده‌ها از مدل آماری t دو گروه مستقل با تأکید بر جنسیت و جدول تحلیل واریانس یک طرفه با تأکید بر سن، تحصیلات و سابقه خدمت استفاده شده است. علاوه بر استفاده از آزمون‌های پارامتریک فوق، در این پژوهش از آزمون ناپارامتریک فریدمن برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های پژوهش استفاده گردید. نتایج آزمون t در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲ - نتایج آزمون t متغیرهای تحقیق

گویه‌ها	آماره t	درجه آزادی	p-value	فاصله اطمینان ۹۵٪ جهت اختلاف میانگین	
				کران بالا	کران پایین
دینی مذهبی	۱۱۷/۵۵	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۱۹	۳/۰۸
اشتغال	۹۳/۴۵	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۹۵	۲/۸۳
ملی و بومی	۱۶۵/۷۶	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۳۵	۲/۲۹
پوشش	۱۱۱/۰۱	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۴۵	۳/۳۳
سلامت	۱۷۲/۰۰۸	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۲۴	۳/۱۷
پژوهش	۱۶۹/۶۷	۲۹۷	۰/۰۰۰	۳/۱۲	۳/۰۵
سبک زندگی	۱۱۵/۱۲	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۳۶	۲/۲۸
تکنولوژی و ارتباطات	۱۰۵/۷۶	۲۹۷	۰/۰۰۰	۲/۸۲	۲/۷۲

۶. آزمون فریدمن

آزمون فریدمن به منظور رتبه‌بندی ابعاد توسعه فرهنگی از دیدگاه ۲۹۸ نفر انجام شد که نتایج آن به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳ - رتبه‌بندی ابعاد از طریق آزمون فریدمن

رتبه	ابعاد
۱/۸۸	ملی و بومی
۱/۹۴	سبک زندگی
۳/۹۹	تکنولوژی
۴/۳۹	اشتغال
۵/۳۷	پژوهش
۵/۷۱	دینی مذهبی
۶/۲	سلامت
۶/۵۲	پوشش

از آنجایی که معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است، می‌توان نتیجه گرفت که اولویت ابعاد یکسان نیست و می‌بایست رتبه‌بندی شوند. اگر مقدار معناداری بیشتر از ۰/۰۵ به دست می‌آید، نشان‌دهنده آن بود که ابعاد از اهمیت و اولویت یکسانی برخوردارند.

نتیجه‌گیری

در فرضیه اول ادعا شده بود که بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد. بر اساس P_value ۰/۰۰۰ که در سطح اطمینان ۹۵٪ این ادعا پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بعد دینی مذهبی اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. یافته‌های تحقیق حاضر با پژوهش رضا اسماعیلی (۱۳۸۵) و وحید ریاحی (۱۳۸۰) در یک راستاست. فرضیه دوم یعنی بعد اشتغال نیز با مقدار P_value بعد اشتغال برابر ۰/۰۰۰ در سطح ۹۵٪ پذیرفته

شد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بعد اشتغال اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. در تبیین فرضیه فرعی دوم این تحقیق می‌توان گفت، این یافته‌ها با پژوهش‌های رشیدی (۱۳۹۵) و ماریموت و دیگران (۲۰۰۹) هم‌راستاست. فرضیه سوم یعنی بعد ملی و بومی با مقدار P_value برابر $0/000$ در سطح 95% پذیرفته و مشخص شد که اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. این یافته‌های تحقیق حاضر، آلبرت (۲۰۱۴) و اسماعیلی (۱۳۸۵) هم‌راستاست. فرضیه چهارم یعنی بعد پوشش نیز با مقدار P_value برابر $0/000$ در سطح 95% پذیرفته شد. می‌توان نتیجه گرفت که بعد پوشش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. این یافته با نتایج تحقیق کشاورز (۱۳۹۲) محسنی (۱۳۸۷) هم‌راستاست. فرضیه پنجم فرعی یعنی بعد سلامت نیز با مقدار P_value برابر $0/000$ بوده که در نتیجه فرض صفر در سلامت اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. در تبیین فرضیه سوم این تحقیق می‌توان گفت، یافته‌های تحقیق حاضر، رشیدی (۱۳۹۵) و شاهسواری و دیگران (۱۳۹۴) و لیاقت‌دار (۱۳۹۴) هم‌راستاست. در فرضیه ششم فرعی بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی دارد. برای به‌دست‌آوردن میزان این رابطه از روش تی‌تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، مقدار P_value برابر $0/000$ بوده که در نتیجه فرض صفر در سطح اطمینان 95% پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بعد پژوهش اثر معناداری بر توسعه فرهنگی می‌گذارد. در تبیین فرضیه سوم این تحقیق می‌توان گفت، یافته‌های تحقیق حاضر، رسولی (۱۳۹۱) و کبیری صراف‌زاده (۱۳۹۰) هم‌راستاست. ادعای فرضیه‌های هفتم یعنی بعد سبک زندگی و فرعی یعنی بعد تکنولوژی و ارتباطات با مقدار P_value بعد اشتغال برابر $0/000$ در سطح 95% پذیرفته شد. این یافته به ترتیب با رضوانی (۱۳۸۳)، اسماعیلی (۱۳۸۵)، لطفی (۱۳۸۹) و قدمی (۱۳۸۹) هم‌راستاست.

پیشنهادات کاربردی

انجام اصلاحات اجرایی زیر به‌عنوان یک راهکار اجرایی، پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت مهارت‌ها و شایستگی‌های کارکنان مراکز فرهنگی و آموزشی؛
۲. فراهم کردن بستر مناسب برای ایجاد انگیزش؛
۳. فرهنگ‌سازی که موتور محرکه پیشرفت محسوب می‌شود؛
۳. آموزش ضمن خدمت و کاربردی، برای مراکز فرهنگی، آموزشی و بسترسازی لازم برای توسعه فرهنگ.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. می‌توان این تحقیق را در جوامع آماری دیگر نیز انجام داد و با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اجتماعی و خواسته‌های افراد آن بخش از جامعه به عوامل مؤثر دیگری دست یافت.
۲. سایر پژوهشگران می‌توانند همین موضوع را به‌طور هم‌زمان در مراکز فرهنگی و آموزشی سایر اجرا و نتایج به‌دست‌آمده را با یکدیگر مقایسه کنند.
۳. با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی ابعاد توسعه فرهنگی بر مبنای گراند تئوری است؛ از این‌رو پژوهشگران علاقه‌مند می‌توانند هریک از موارد استخراج‌شده از گراند تئوری را با متغیر دیگری که می‌تواند نمود بیشتری پیدا کند، بسط دهند از جمله نگاه سرمایه فکری به موضوع فرهنگ.
۴. به پژوهشگران توصیه می‌شود از بُعد رفتاری نیز موضوع توسعه فرهنگی را دنبال کنند تا به رفتارهای انطباقی حاصل از آن توجه شود.

منابع

کتاب‌ها

- اجلایی، پرویز. (۱۳۷۹). *سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران*، تهران: نشر آن.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۲ الف). *روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مطالعات سازمان و مدیریت*. (فصل هشتم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). چاپ دوم، تهران: انتشارات صفار.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۲ ب). *استراتژی پژوهش‌های ترکیبی در مطالعات سازمان و مدیریت*. (فصل هشتم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع). چاپ دوم، تهران: انتشارات صفار.
- دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل. (۱۳۸۶). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات اشراقی.
- رادریگز، کارل. (۱۳۸۰). *مدیریت در عرصه‌های بین‌المللی*. ترجمه شمس‌السادات زاهدی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.
- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۹). *توسعه فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی*.
- صالحی امیری، رضا. (۱۳۸۲). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس*.
- شایان، حمید. (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر توسعه انسانی و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای اسلامی*، مجموعه مقالات رویکرد فرهنگی به جغرافیا، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریف‌زاده فتاح و کاظمی، مهدی. (۱۳۷۷). *مدیریت و فرهنگ سازمانی*، تهران: انتشارات قومس.
- طوسی، محمدعلی. (۱۳۷۶). *فرهنگ سازمانی*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کاشی، غلامرضا و محمدجواد، مجید. (۱۳۸۲). *سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز* (مجموعه مقالات همایش)، تهران: نشر باز.
- فاضلی، نعمت‌الله و فاضلی، محمد صادق. (۱۳۷۶). *فرهنگ و توسعه*، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۷۸). *از فرهنگ تا توسعه با تأکید بر مسائل توسعه*، تهران: نشر فردوس.
- قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۷۰). *اقتصاد رشد و توسعه*، تهران: نشر نی.

مقیم، محمد. (۱۳۸۰). *سازمان و مدیریت با رویکردی پژوهشی*. تهران: انتشارات ترمه.

مک‌گریگور. (۱۳۷۹). *مدیریت استراتژیک*، ترجمه عباس منوریان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

مینتز برگ، هنری؛ جیمز براین کویین و ام. جیمز رابرت. (۱۳۷۶). *مدیریت استراتژیک (فرآیند)*. ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

وحید، مجید. (۱۳۸۲). *از فرهنگ سیاست‌گذاری تا سیاست‌گذاری فرهنگی سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز* (مجموعه مقالات همایش)، تهران: نشر باز.

مقالات

رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳). «سنجش و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی نواحی روستایی شهرستان سندج با استفاده از GIS»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳.

عابدی، سید حسن. (۱۳۸۴). «بررسی فرهنگ سازمانی حاکم و شناسایی و شناخت ویژگی‌های اصلی آن در شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت توسعه منابع انسانی، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

- کلانتری، خلیل. (۱۳۷۷). «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی»، صص. ۱۳۱-۱۳۲.
- Keller, H., & Kärtner, J. (2013). Development – The culture-specific solution of universal developmental tasks. In M. L. Gelfand, C.-Y., Chiu, & Hong, Y. Y. (Eds.), *Advances in culture and psychology*, Vol. 3 (pp. 63–116). Oxford, NY: Oxford University Press.
- Keller, H., Völker, S., & Yovsi, R. D. (2005). Conceptions of parenting in different cultural communities. The case of West African Nso and Northern German women. *Social Development*, 14(1), pp. 158–180.
- Keller, H., Yovsi, R. D., & Voelker, S. (2002). The role of motor stimulation in parental ethnotheories. The case of Cameroonian Nso and German women. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 33(4), pp. 398–414.
- Kärtner, J., Holodyski, M., & Wörmann, V. (2013). Parental ethnotheories, social practice and the culture-specific development of the social smile in infants. *Mind, Culture, and Activity*, 20(1), pp. 9–95.
- Keller, H. (2007). *Cultures of infancy*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Keller, H. (2011). Biology, culture and development: conceptual and methodological considerations. In F. J. R. van de Vijver, A. Chasiotis & S. Breugelmans (Eds.), *Fundamental questions in cross-cultural psychology*. Cambridge, GB: Cambridge University Press. pp. 312–340.
- Cole, M., & Packer. (2016). A bio-cultural-historical approach to the study of development In M. J. Gelfand, C.-Y. Chiu & Y.-y. Hong. (Eds.). *Handbook of advances in culture and psychology*, Vol. 6. Retrieved January, p. 16.
- Pandit, N. R. (1996). The creation of theory: A recent application of the grounded theory method. *The qualitative report*, 2(4), pp. 1-15.